

پس اگر مسیر درست باشد، این‌ها را به سمت مسیر درست هدایت می‌کنند و در واقع جذب بازار کار می‌شوند.

### اما درباره مزیت‌ها، این استدلال مطرح می‌شود که مهاجرین فرصت هستند چرا که اینجا را مثل وطن خودشان می‌دانند و می‌سازند. وطن جایی است که شما می‌سازید. اما با وجود اینکه نگاه بسیاری از مهاجران به ایران یک کریدور ترانزیتی برای مهاجرت ثانویه به اروپا است، این استدلال چقدر قوت دارد؟

اولاً در نظریات جدید وقتی جامعه‌ای ساخته می‌شود، دیگر این‌طور نیست که همه چیز فقط ساختن فیزیکی باشد و بگویید این‌ها نیروی کار هستند. البته این سطح هم هست؛ ولی می‌خواهم بگویم سطوح بالاتری از این وجود دارد. بالأخره ما می‌دانیم که همین الان حذف مهاجرین از ساختار اقتصادی ایران به معنای ایجاد مسائل و مشکلات فراوان در ساختار اقتصاد ایران است؛ یعنی حداقل در یک سری از بخش‌ها این قطعی است. این فرصت اول؛ ولی من به این اکتفا نمی‌کنم. اگر شما می‌گویید این‌ها مسیر ثانویه است، واقعاً هیچ ارزیابی شده است که از این چند میلیون مهاجر که وجود دارد، چند نفر این فکر را دارند؟

### شما آماری دارید؟

واقعاً نمی‌دانم. به دلیل ارتباطی که با دوستان افغانستانی دارم، بنظرم تعداد افرادی که با برنامه مهاجرت می‌کنند، کم است.

### ولی اگر دهک‌بندی کنیم، می‌بینیم که مهاجران از طیف با کیفیت‌ها هم هستند.

بله، کسانی که به اینجا آمدند، از فرصت استفاده کردند و به جای مناسبی هم رسیدند. شما فرض کنید فردی به خانه شما آمده؛ مدتی خانه شما مهمان بوده است و حال می‌خواهد برود. اگر با تصویری خوب خانه شما را ترک کند، به نفعشان خواهد بود یا با تصویری بد؟ جواب واضح است. الان در سراسر دنیا بعید می‌دانم کشوری مهاجر افغانستانی نداشته باشد. اگر این مهاجران ذهنیت مثبتی از شما و کشورتان داشته باشند، در ایجاد تصویر مثبت از شما، مردم، کشور و نظامتان می‌توانند خیلی مؤثر باشند. تصویری که شما باید هزینه زیادی صرفش کنید تا بتوانید در فضای دیپلماسی عمومی آن را اصلاح کنید، می‌توانید با یک سیاست درست آن را رقم بزنید. برعکس آن هم هست؛ بالأخره فضای رسانه‌ای جدی علیه شما در دنیا وجود دارد که تلاش می‌کند تمام تصاویر مثبت شما را منفی جلوه بدهد؛ اگر شما شاهدی برای این مدعا اضافه کردید، آن جریان رسانه‌ای بلد است چطوری از آن شاهد استفاده کند و علیه شما فضا سازی رسانه‌ای بکند و شانتاژ خبری ایجاد کند؛ این یعنی سرمایه اجتماعی. همچنین مرادۀ تجاری خوب با افغانستان در دوره‌های مختلف در حالی که کسی نبود که یک برنامه ریزی جدی برای این افق کرده باشد، توسط همین مهاجرینی رقم می‌خورد.

نکته دیگر که مسأله بسیار مهمی است، زبان مشترک است. یکی از پایه‌های جدی هویت ملی در هر کشوری زبان است؛ شما هویتتان را فارغ از زبان نمی‌توانید تعریف کنید. همه

ان در سراسر  
دنیا بعید می‌دانم  
کشوری مهاجر  
افغانستانی نداشته  
باشد. اگر این  
مهاجران ذهنیت  
مثبتی از شما و  
کشورتان داشته  
باشند، در ایجاد  
تصویر مثبت از  
شما، مردم، کشور و  
نظامتان می‌توانند  
خیلی مؤثر باشند.  
تصویری که شما  
باید هزینه زیادی  
صرفش کنید تا  
بتوانید در فضای  
دیپلماسی عمومی  
آن را اصلاح کنید،  
می‌توانید با یک  
سیاست درست آن  
را رقم بزنید